

وصیت نامه جعلی محمدرضا پهلوی!

۲۰ مرداد ۱۳۹۵ ساعت ۱۴:۴۶

آنچه امروز به عنوان وصیت نامه سیاسی شاه معروف شده بعد از مرگ او به وسیله اشخاص معینی تهیه گردیده است. این متن که بیشتر احساساتی و عاطفی است تا سیاسی، فاقد رهنمودهایی است که معمولاً وصیت نامه یک رهبر سیاسی را از وصیت نامه دیگران تمایز می‌کند. در آن تنها به مسئله جانشینی ولیعهد اشاره شده است.

جوان و تاریخ- تاریخ شفاهی



محمدرضا پهلوی سال آخر عمر خود را آنچنان در آوارگی گذراند که فرصتی برای آنکه بخواهد از خود یک وصیت نامه سیاسی به جا بگذارد نداشت. بنابراین آنچه امروز به عنوان وصیت نامه سیاسی شاه به جا مانده، یک متن ساختگی و جعلی بیش نیست. برای درک این حقیقت فقط کافی است که به خاطرات اطرافیان شاه رجوع کنیم و در این زمینه چه منبعی بهتر از خاطرات احمدعلی

مسعود انصاری، که به واسطه نسبت فامیلی با فرح در دربار رفت و آمد می کرد. او به روایت مستقیم ماجرا از قاهره، دقیقا پس از مرگ شاه می پردازد. آنچه او می گوید نشان می دهد که خاندان پهلوی تمایل داشت راه کجی را که پنجاه و سه سال در ایران در پیش گرفته بود، همچنان ادامه دهد:

«...هنگام ترک نیویورک به قصد لندن و از آنجا به قاهره به دیدار هوشنگ انصاری رفتم و انصاری به من گفت وقتی به قاهره رسیدم بیرسم و جستجو کنم که آیا شاه در مورد مسائل سیاسی و آینده ایران و ولیعهد وصیتی هم کرده است یا نه؟ و من وقتی به قاهر رسیدم مترصد بودم که ببینم وصیت نامه ای در کار هست یا نه. عجا که فهمیدم وصیت نامه ای در کار نیست و به همین علت هم فرح دست به کار شده بود که متنی به نام وصیت نامه سیاسی شاه تهیه شود و ماموریت و انجام کار را به عهده دکتر منتصری که یکی از اشخاص مورد اعتماد و علاقه فرح بود سپرده بودند. جواد معین زاده و چند نفر دیگر هم همکاری می کردند و دست اندر کار بودند و حاصل کار آنها هم همان متنی است که امروز به عنوان وصیت نامه سیاسی شاه معروف شده که البته بعد از مرگ او به وسیله اشخاص یاد شده تهیه گردیده است. این متن که بیشتر احساساتی و عاطفی است تا سیاسی، فاقد رهنمودهایی است که معمولا وصیت نامه یک رهبر سیاسی را از وصیت نامه دیگران تمایز می کند. در آن تنها به مسئله جانشینی ولیعهد اشاره شده است والا از چه باید کردها و توصیه های سیاسی سخنی به میان نمی آید.»^۱

پی نوشت ها:

۱- احمدعلی مسعود انصاری، من و خاندان پهلوی، تهیه و تنظیم: محمد برقی و حسن سرافراز، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۱، چاپ

دوم، ص ۱۸۸-۱۸۷

آدرس مطلب :

